

درس خارج فقه استاد هادی عباسی خراسانی

جلسه دوم، ۱۴۰۲/۰۷/۱۷

موضوع: فقه مشاوره/ حدیث اخلاقی (جایگاه شهر قم و حضرت معصومه س در روایات)/

حدیث اخلاقی (جایگاه شهر قم و حضرت معصومه س در روایات)

امروز سالروز ورود با برکت حضرت کریمه اهل بیت (سلام الله علیها) به قم است. السلام علیک یا فاطمة یا بنت موسی بن جعفر. ورود ایشان به قم باعث برکات متعدد شده است؛ حتی نشر معارف هم ترسیمی از قدم‌های مبارک ایشان به قم است. حدیث اخلاقی امروز را هم تقدیم به ایشان می‌کنیم.

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: «إِنَّ لِلَّهِ حَرَمًا وَهُوَ مَكَّةُ وَإِنَّ لِلرَّسُولِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) حَرَمًا وَهُوَ مَدِينَةُ وَإِنَّ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عَلَيْهِ السَّلَام) حَرَمًا وَهُوَ كُوفَةُ وَإِنَّ لَنَا حَرَمًا فَهُوَ قَمٌ. وَاسْتَدْفِن فِيهَا إِمْرَأَةً مِنْ أَوْلَادِي إِسْمُهَا فَاطِمَةُ فَمَنْ زَارَهَا وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ [1].»

از خصلت‌های این حدیث آن است که معلوم است حرم، جایی است که حرمت و محرمیت در آنجا است. حرم، مقول به تشکیک است. حرم، متعلقش گوناگون است؛ هم می‌تواند خدا باشد، هم رسول و هم نبی و هم ولی. حرم از خدا، نبی، ولی و کسانی است که خدا اراده کند. حرم الهی، مکه، حرم رسول (صلی الله علیه و آله) مدینه است. هنگام هجرت از مکه فرمودند: «من به اختیار نمی‌روم؛ ولی هرکجا رفتم، آنجا حرم شود [2].» این دعا مستجاب شد. حرم امیرالمؤمنین (علیه السلام)، کوفه است. هرکسی اهل محرمیت باشد و حرمت نگه دارد، به او حرم عنایت می‌شود. حرم ما قم است. بعد فرمودند: «خانمی از فرزندان من در آنجا دفن می‌شود که نامش فاطمه است.» این از اعجازهای امام صادق (علیه السلام) است. این اخباری که فرمودند، قبل از ولادت امام کاظم (علیه السلام) بود. اخبار نوه را از قبل فرمودند. این نکته‌ی بسیار مهمی است و کرامت و اعجاز است. زیارت ایشان، معادل جنت نیست؛ معادل وجوب جنت است. می‌توانیم بگوییم که زیارت حضرت، جنت‌ساز است. زیارت ایشان، علت آفرینش بهشت است.

سفارش استاد به زیارت حضرت معصومه (س) از دور و نزدیک

از شما تقاضایی دارم. سعی کنید زیارت حضرت را هرکجا هستید، به عنوان پروانگان دور حضرتید - چه شهرستان و چه خانه - بخوانید. جزو برنامه‌های علمی و عملی‌تان باشد. هر روز باید با حضرت در حال زیارت باشیم.

جایگاه حضرت معصومه (س) در کلام علامه حسن‌زاده آملی (رحمه‌الله)

حضرت علامه حسن‌زاده که بیش از سه دهه خدمت‌شان بودیم و حضرت آیت‌الله‌العظمی بهاء‌الدینی که بین الطلوعین خدمتشان بودیم، هر دو اهل زیارت بودند. گاهی با هم مشرف می‌شدیم. حالات‌شان در زیارت جالب بود. علامه می‌فرمودند: «ایشان حلال مشکلات مختلف و باز‌کننده‌ی گره‌های سیر و سلوکی است.»

توسل ملاصدرا به حضرت معصومه (س) در مشکلات علمی

صدرالمتألهین از کهک پیاده به قم می‌آمد و زیارت می‌کرد و بر می‌گشت. حضرت استاد علامه فرمودند: «ملاصدرا در بحث اتحاد عاقل و معقول مشکل داشت؛ متوسل به حضرت معصومه (سلام‌الله‌علیها) شدند و از این زیارت برگشتند و رساله‌ی اتحاد عاقل و معقول را نوشتند». اگر ایشان یک عنایت کنند، راه‌ها را باز می‌کنند.

کیفیت آشنایی استاد با علامه حسن‌زاده (رحمه‌الله) با توسل به حضرت معصومه (س)

از مشهد آمده بودم و در قم، تدریس ادبیات داشتم. در به‌در دنبال می‌گشتم محضر کسی زانو بزنم. آمدم محضر حضرت معصومه (سلام‌الله‌علیها) گفتم: «اگر مادرم بود و مکتب لازم داشتم، مرا بهترین جا می‌بردند. ما که نمی‌شناسیم. چقدر باید تحقیق کنیم». از حرم می‌آمدم، دیدم بزرگی بخشی از عبایش، زیر بغل‌شان است. گویا همه گفتند به ایشان سلام کن. ایشان فرمودند: «احوال شریف». این جمله‌ی ایشان، مرا اسیر کرد. دیدم علامه‌ی دوران است. با اینکه محضر خیلی از بزرگان بودم، عقیده‌ی من است که نسبت ایشان به دیگران، عموم و خصوص مطلق است. تازه این‌ها پروانگانی هستند که شمع وجودشان، حضرت معصومه (سلام‌الله‌علیها) است. از ایشان بخواهید ان‌شاء‌الله به شما داده می‌شود.

بحث فقهی

مستحدثه نبودن بحث فقه المشاوره

در فقه مشاوره برخی نظرشان این است که فقه مستحدث است. به نظر ما فقه مشاوره تدوین نشده است، ولی اصولش در کتب روایی داریم. منبع استنباط ما سه دلیل است: قرآن، سنت و عقل. اجماع را دلیل مستقل نمی‌دانیم. عنوانی که بحث می‌کنیم، هم در آیات است و هم در روایات. این مشاوره، هم دلیل قرآنی دارد و هم روایی و هم عقلی. مشاوره‌ی اصطلاحی که بین مردم مرسوم است، دلیل عقلی داریم که اگر انسانی می‌داند که کسی کمکش می‌کند، باید

به او مراجعه کند. همان دلیل عقلی که در اول کتب احکام است که تقلید به وجوب عقلی واجب است، اینجا هم وجوب عقلی دارد.

فقه مشاوره در آیات و روایات، مصرّح داریم، ولی متأسفانه در میان کتب فقهی ما به صورت پراکنده به عنوان جزئی اشاره‌ای آمده است، ولی تصریح نشده است.

آیا فقه مشاوره مستحدث است؟ خیر، جزو مسائل مستحدثه نمی‌دانیم؛ هرچند برخی شقوقش مبتلابه و جدید است و باید استخراج شود، ولی عنوانش جدید نیست و در کتاب و سنت هم هست.

در کرونا هم گفتیم فقه کرونا نیست؛ بلکه مسأله‌ی کرونا است؛ چون فقه، معنایش این است که مبحثی مبسوط است و مجموعه‌ی مستقلی است. موضوعات و احکام مختلفی دارد؛ ولی در مشاوره باید فقه مشاوره بگوییم، نه مسأله؛ چرا که ساختار کتابی مجموعه‌ای دارد و فصول مختلف و مسائل مختلف و مصادیق گوناگون دارد. بحث ابتکاری و نو است. تا کنون مدوّن نشده است که در این مشاوره، چه مباحثی باید باشد. ان شاء الله ساختاری برای این کتاب قرار می‌دهیم و وارد بحث می‌شویم.

#### تاریخچه‌ی مشاوره

لزوم مراجعه به تاریخ هر بحث قبل از ورود به بحث در سیره‌ی علما

در تحقیقاتی که دارید، اولین موضوعی که مطرح است، سراغ تاریخ بروید. استاد بزرگوار ما شهید مطهری از کارهای خوب‌شان این بود که وارد هر بحث می‌شدند، تاریخچه‌ی بحث را می‌گفتند. حضرت علامه حسن‌زاده آملی (قدس‌الله‌نفسه‌الزکیة) نیز همین‌طور بودند. مثل حمل ذاتی اولی و شایع صنایع، اصل وجودش به حمل در منطق بر می‌گردد. بحث مشتق اصولی هم همین‌طور. حاشیه‌ی میرسیدشریف باعث ایجاد بحث مشتق در اصول شد.

بازگشت علوم مختلف به جبرائیل (علیه‌السلام) و پیامبر (ص)

این بحث، سابقه‌ی دیرینه‌ای دارد. عرض ما این است که مشاوره را مطلق می‌دانیم و برخی گفت‌وگوها برای راهنمایی و حل مشکل را مشاوره می‌دانیم. مهم راهنمایی از دیگری برای حل مشکل است. مشاوره به رابطه‌ی خالق و مخلوق بر می‌گردد؛ چه انسان، چه فرشته و دیگران. در جایی که ابهامی و مسأله‌ای باشد و باید ابهام‌زدایی شود، مشاوره‌ی اسلامی صدق می‌کند. ما کلیه‌ی علوم را اسلامی می‌دانیم؛ چرا که منشأ علم، جبرائیل (علیه‌السلام) است. ﴿وَعَلَّمَكَ مَا لَمْ تَكُنْ تَعْلَمُ﴾ [3]. هر پیامبری در زمان خودش، این ارتباط را داشته است. تا وحی نازل می‌شد،

دست حضرت باز می‌شد. رابطه‌ی خالق و مخلوق به علم و حیانی است. بالاترین علم است که منشأ آن حضرت جبرائیل (علیه‌السلام) است و ایشان از حضرت حق دارد. بالاترین مخلوق الهی، حضرت رسول مکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) است. تصریح آیه است. ﴿وَلَكِنْ رَسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ﴾ [4]. رسول الله، مطلق است. رسول، فرشته را هم شامل می‌شود. این رسول را باید الگو قرار داد. مرتب هم باید شهادت به او بدهند. در تشهد باید شهادت به رسالت و عبودیت و الوهیت بدهیم. همه‌ی علوم به یک علم بر می‌گردد. اولیای الهی، عالم به همه‌ی علوم بودند. امام صادق (علیه‌السلام) فرمودند: «همه‌ی رنگ‌ها در مو جمع شده است.» حال هنوز کشف نکرده‌اند. هیچ مورخی نام‌های همه‌ی انبیای الهی را ندارد. طبق تصریح حضرت امام (علیه‌السلام)، ۱۲۴۰۰۰ نبی آمدند. ابن سینا می‌گوید: «من نمی‌توانم معاد جسمانی را حل کنم؛ ولی چون امام صادق (علیه‌السلام) فرمودند، قبول دارم [5].»

گفتگوی خداوند با فرشتگان، اولین تاریخ مشاوره

اولین مشاوره، گفت و گوی انسان با ربّ خود است. ﴿وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً﴾ [6]. اولین گفتمان، گفتمان حضرت حق با فرشته است. موضوعش خلافت است. مشاوره را دارای مراتب می‌دانیم.

بحث مشاوره، مستحدث نیست. از غرب هم نیامده است و از بطن آیات الهی است. ما مشاوره را گفتمان‌هایی می‌دانیم که حل ابهامات دارد. حضرت حق با فرشته‌ها گفت و گویی کردند. ﴿إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً﴾ [7]. اولین گفتمانی که رخ داد، گفتگوی حضرت با فرشتگان بود.

تفاوت مشاوره با هدایت و تفاوت مشاور با طبیب

ما مشاوره را یک ضرورت می‌دانیم. از اولین مخلوق، تحقق یافته و تا انقراض آدم هم ادامه دارد. هر سال باید موضوعات مستحدثی اضافه شود. تفاوت مشاوره و هدایت آن است که هدایت عام است، ولی مشاوره در یک مشکل جزئی کمک می‌کند، هرچند مربوط به هنر کلی‌تر باشد. هنر مشاور، نسبت‌سنجی بین مشکل جزئی و تشخیص کلی است. کار مشاور، مهم‌تر از طبیب است؛ چرا که طبیب، بیماری جسم را درمان می‌کند، ولی مشاور، طبیب روحانی است. مشاور موفق کسی است که صاحب نفوس خاص باشد. اگر اندیشه‌ی کسی کار نکرد، باید انگیزه را درست کند و باید بتواند تصرف کند.

ان‌شاءالله مفهوم و حقیقت مشاوره را خواهیم رسید.

---

[1] مستدرك الوسائل، المحدث النوري، ج ١٠، ص ٣٦٨.

[2] سفينة البحار و مدينة الحكم والآثار، القمي، الشيخ عباس، ج ٨، ص ٩٢.

[3] سوره نساء، آيه ١١٣.

[4] سوره احزاب، آيه ٤٠.

[5] الشفاء - الإلهيات، ابن سينا، ج ١، ص ٤٢٣.

[6] سوره بقره، آيه ٣٠.

[7] سوره بقره، آيه ٣٠.